

معاهده ترکمنچای و تکوین کاپیتولاسیون

۵ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۰:۳۰

ریشه کاپیتولاسیون در ایران به عهدنامه ترکمنچای برمی گردد، البته پیش از آن در دوران صفویه، فرانسوی‌ها از حق کاپیتولاسیون بهره‌مند بودند؛ ولی به دلیل اجرای شرایط برابر برای دو کشور، این قانون در آن زمان تأثیرات منفی زیادی برجای نگذاشت. دز ذیل به سیر تاریخی کاپیتولاسیون در ایران می پردازیم.

مقدمه تاریخی

کاپیتولاسیون معاهده‌ای است که به موجب آن هرگاه یکی از اتباع کشوری وارد کشور دیگری شود، آن شخص تحت حوزه قضایی کشور خود بوده و اعمال قضاوت از طریق کنسول‌های محلی صورت می‌پذیرد. این معاهدات عموماً بین کشورهای اروپایی از یک سو و کشورهای آسیایی و آفریقایی از سوی دیگر منعقد شده است. توجه این امر از سوی کشورهای اروپایی این است که چون موسسات و سازمان‌های آنها در کشورهای هدف، دقیقاً مورد حمایت واقع نمی‌شود، چنین تمهیداتی ضروری است. ریشه کاپیتولاسیون در ایران به عهدنامه ترکمنچای برمی گردد، البته پیش از آن در دوران صفویه، فرانسوی‌ها از حق کاپیتولاسیون بهره‌مند بودند؛ ولی به دلیل اجرای شرایط برابر برای دو کشور، این قانون در آن زمان تأثیرات منفی زیادی برجای نگذاشت. دز ذیل به سیر تاریخی کاپیتولاسیون در ایران می پردازیم.

۳۰ اسفند ۹۸۲ ش / ۲۰ مارس ۱۶۰۴ م

پایه گذاری نظام کاپیتولاسیون در جهان

نخستین پیمان در دنیا که درباره موقعیت و وضعیت شهروندان خارجی بود، در ۲۰ مارس ۱۶۰۴ م بین پادشاه فرانسه هنری چهارم و احمد اول سلطان عثمانی بسته شد. این قرارداد دوستانه دارای چند فصل، یا به زبان لاتین، کاپیتول، بوده است. اصلی ترین مفاد این قرارداد ناظر بر تامین امنیت زائران مسیحی اورشلیم از سوی دولت عثمانی بود.

۱۲۰۶ ش / ۱۸۲۸ م

عهدنامه ترکمنچای منشاء استقرار نظام کاپیتولاسیون در ایران

مقررات کاپیتولاسیون در سال ۱۸۲۷ به موجب عهدنامه ترکمنچای از طرف دولت روسیه تزاری به ایران تحمیل شد و پس از آن انگلستان و سایر کشورهای اروپایی هم این امتیاز را برای خود قائل شدند. در واقع باید منشأ رژیم کاپیتولاسیونی در ایران را به طور قطع باید معاهده ترکمنچای مورخ ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ دانست. به موجب این قرارداد، قسمت‌های مهمی از ایالات شمالی ایران به روسیه تزاری واگذار گردید. در بندهای دیگر این عهدنامه حق قضاوت کنسولی برای اولین بار به صورت یکجانبه به یک مملکت مستقل تحمیل شد. فصول ۷ و ۸ این معاهده نامه به طور صریح به موضوع اعطای حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) به دولت روسیه مربوط می شود که به لحاظ اهمیت موضوع عین فصول در ذیل می آید.

فصل ۷: تمام امور متنازع فیه و مرافعاتی که بین اتباع روس به وقوع می رسد موافق قوانین و رسوم دولت روسیه، فقط به رسیدگی و حکم سفیر و دعاوی حاصله مابین اتباع روس حل و فصل می شود و همچنین است اختلافات و دعاوی حاصله مابین اتباع روس و اتباع مملکت دیگر در صورتی که طرفین به حکومت مشارالیه تراضی نمایند، اختلافات و مرافعاتی که مابین اتباع ایران و اتباع روسیه به ظهور می رسد مراجعه به محاکم ایران شده، رسیدگی و صدور حکم آن باید در حضور مترجم سفارت یا کنسولگری به عمل آمده به این قبیل دعاوی که بروفق قانون ختم شده است، مجدداً رسیدگی نمی شود. اگر تجدید نظر لزوماً اقتضاء نمود باید به استحضار وزیر مختار یا "شارژ دافر" یا کنسول روس در حضور مترجم سفارت یا کنسولگری در یکی از دفترهای اعلیحضرت شاهنشاه ایران که در تبریز یا تهران منعقد است تجدید رسیدگی به عمل آمده حکم داده شود.

فصل ۸: هرگاه شخصی از اتباع روس به اتباع مملکت دیگر متهم به جرمی گردد، مورد تعرض و مزاحمت واقع نخواهد گردید مگر در صورتی که شرکت او در جرم مدلل و ثابت شود و در این صورت نیز در صورتی که تبعه روس بشخصه به جرم متهم شود محاکم مملکتی نباید بدون حضور مأموری از طرف سفارت یا کنسولگری به جرم مزبور رسیدگی و حکم دهند و هرگاه در محل وقوع جرم، سفارت یا کنسولگری وجود ندارد، کارگزاران آن جا مجرم را به محلی اعزام خواهند داشت که در آن جا کنسولی با مأموری از طرف دولت روسیه برقرار شده باشد. حاکم و یا قاضی محل استشهاداتی که بر علیه وله شخص مظنون است تحمیل کرده و امضا می نماید. این دو که بدین ترتیب نوشته شده و به محل محاکمه فرستاده می شود، نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد بود مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آن را به طور واضح ثابت نماید. پس از اینکه کماهو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسید و حکم صادر شد مشارالیه به وزیر مختار یا کاردار یا کنسول روس تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شود و در آن جا موافق قوانین، سیاست شود.

۱۳۰۰ش / ۱۹۲۲ میلادی

امتناع دول اروپایی از پذیرش هیئت ایرانی در کنفرانس صلح ورسای برای انعکاس مراتب انزجار مردم از استقرار رژیم کاپیتولاسیون

در پی ظهور نهضت‌های اسلامی در صد سال گذشته - به ویژه نهضت عدالت‌خواهی (مشروطه) - به تدریج زمزمه‌های اعتراض و مخالفت با رژیم کاپیتولاسیون و خشم و نفرت ملت ایران از دخالت بیگانگان در اداره امور کشور در ایران اوج گرفت که در مواردی منجر به درگیری مردم با اتباع بیگانه - مانند یورش به سفارت روسیه در تهران و کشته شدن گریبایدوف وزیر مختار دولت روسیه - گردید. هرچند این مخالفت‌ها و اعتراضات به جایی نمی‌رسید و دولت‌های استعماری مقتدر و متجاوز به نارضایتی‌های عمومی مردم بهایی نمی‌دادند. چنانکه از پذیرش هیئت ایرانی که در سال ۱۳۰۰ خورشیدی برای انعکاس مراتب انزجار مردم از استقرار رژیم کاپیتولاسیون به کنفرانس صلح "ورسای" رفته بود، خودداری کرده و حاضر به شنیدن گزارش آنان نشدند.

۱۲۹۷ش / ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ م

اعلامیه نظام کمونیستی شوروی و الغای یکجانبه مقررات کاپیتولاسیون

بیداری مردم مسلمان ایران در پی نهضت‌های اسلامی و اوج گرفتن روحیه آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی و خشم و نفرت ملت ایران از دخالت بیگانگان و امتیازات قضائی، پایه‌های رژیم کاپیتولاسیون در ایران را متزلزل نمود و در کنار آن فروپاشی رژیم تزاری و پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی در برچیده شدن رژیم کاپیتولاسیون در ایران سهم به‌سزایی داشت. دولت سوسیالیستی شوروی در بیانیه سال ۱۲۹۷ خورشیدی (۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ م) به طور یکجانبه کاپیتولاسیون را به عنوان نهاد استعماری لغو کرده و اعلام نمود که سیاست رژیم امپریالیستی روسیه تزاری نسبت به ملت ایران را مردود می‌شمارد و کلیه معاهدات، مقاولات و قراردادهایی که دولت امپراطوری سابق با دولت ایران منعقد نموده و بر پایه آن حقوق ملت ایران را تضییع کرده است را از درجه اعتبار ساقط می‌داند. این موضع دولت شوروی، پایه‌های کاپیتولاسیون را به شدت لرزاند و به ملت ایران جرأت و جسارت زیادتری بخشید تا با جدیت و قاطعیت خواستار الغای کاپیتولاسیون شوند و دیگر دولت‌ها را برای الغای آن زیر فشار قرار دهند.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۶ ش / ۱۰ می ۱۹۲۷

رضا خان و الغای ظاهری نظام کاپیتولاسیون

سرانجام در اردیبهشت ۱۳۰۶ ش. وزارت خارجه ایران در اعلامیه‌ای لغو کاپیتولاسیون در ایران را اعلام کرد. این اعلامیه یک سال پس از تاجگذاری رضاشاه انتشار یافت و یک سال پس از انتشار، کلیه عهدنامه‌ها و قراردادهایی که در دوران قاجار، امتیازاتی را برای دولت‌های خارجی در نظر گرفته بود، باطل اعلام شد. هرچند در همان زمان ابلاغیه‌هایی از طرف وزارت امور خارجه جدید به بعضی سفارتخانه‌های اروپایی، از جمله انگلستان، آلمان، هلند، سوئیس و فرانسه، سوئد، دانمارک و سایر کشورهای مقتدر آن روز اروپا ارسال شد و در آنها حقوق ویژه و مزایای سیاسی و اقتصادی و قضایی کشورهای متبوع آنها محترم شمرده شد. این نامه‌ها و موافقت‌هایی که با درخواست وزیران مختار بعضی کشورهای اروپایی برای حفظ اعتبار و آزادی‌های قضایی اتباعشان در ایران می‌شد، نشان می‌داد که هدف رضاخان از اعلام لغو کاپیتولاسیون، صرفاً تبلیغ وجهه ضداستعماری برای خود در ایران آن روز، به مدد مطبوعات و رسانه‌های گروهی بود.

امام(ره) درباره عوام فریبی رضا خان در قضیه لغو کاپیتولاسیون فرمودند: در زمان رضا شاه وقتی که «کاپیتولاسیون» به اصطلاح خودشان لغو شد- آن هم لغویش حرف بود اما حالا لغو شد- چه بساطی درست کردند در تبلیغات که بله دیگر «اعلیحضرت» به آن جا رسیدند که لغو کردند کاپیتولاسیون را و چه کردند و فلان! مدت‌ها روزنامه‌ها و رادیو و بساط، جشن این را گرفتند که اعلیحضرت رضا شاه کاپیتولاسیون را لغو کرد! یک وقت آن طور هیاهو کردند و جشن گرفتند. آن روزی که اعلیحضرت محمدرضا شاه، خلف صدق اعلیحضرت رضا شاه! آمد کاپیتولاسیون را برای اینها درست کرد، باز همین نزاع بلند شد که چه خدمت بزرگی! چه خدمت بزرگی کردند! این بیچاره مطبوعات، خوب اسیر سازمان امنیت بودند، باید بنویسند. آنها دیکته کنند اینها بنویسند که چه خدمت بزرگی! دیگر از این خدمت بزرگ تر نمی‌شد که «اعلیحضرت» کردند! چه کردند؟ آنی که او لغو کرد، ایشان اثبات کردند.

اسفند ۱۳۴۰ ش / مارس ۱۹۶۲ م

پهلوی دوم و احیای مجدد نظام کاپیتولاسیون

با درگیر شدن آمریکا در جنگ دوم جهانی، نیروهای این کشور در اروپا و آسیا مستقر شدند و حضور قابل توجهی در خارج آمریکا پیدا کردند. برای مستشاران نظامی آمریکا که در استخدام دولت ایران بودند یک قرارداد دفاعی دو جانبه امضا شد. پنج ماه بعد دولت آمریکا در خصوص وضعیت حقوقی نیروهای خود مذاکراتی را با مقامات ایران آغاز کردند. چون مقامات آمریکایی از سابقه کاپیتولاسیون در ایران آگاه بودند تمایل داشتند که موضوع کاپیتولاسیون را بدون سر و صدا و با کمترین هزینه و در حقیقت با موافقت شخص شاه به انجام برسانند. دولت آمریکا پس از دو ماه که از تصویب اصلاحات ارضی گذشته بود طرح درخواست اعطای مصونیت مستشاران نظامی خود را مطرح کرد. آنان می پنداشتند چون دولت امینی با فشار مستقیم آمریکاییان روی کارآمده است لذا به سرعت با درخواست آنها موافقت خواهد کرد. ولی این سیاستمدار کهنه کار و شاهزاده قاجاری که به خوبی از سابقه کاپیتولاسیون آگاه بود همواره در مقابل درخواست آمریکا طفره رفت تا سرانجام جای خود را در سال ۱۳۴۱ به اسداله علم داد. لذا پیشنهاد تصویب کاپیتولاسیون از سوی سفارت آمریکا به دولت امیر اسدالله علم داده شد. امادولت اسداله علم نیز موقعیت طرح و اجرای طرح آمریکایی کاپیتولاسیون را به دست نیاورد.

ادامه دارد...

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۱۹۲۷۸/معاهدہ-ترکمنچای-۱۹۲۷۸>